



استراتژی‌های موثر در مواجهه با رویدادهای محتمل ژئوپلیتیکی سال ۱۴۰۳





فهرست مطالب

۲	خلاصه مدیریتی
۱	مقدمه
۲	بیان مساله
۴	۲.۱. انتخابات ریاست جمهوری امریکا
۶	۲.۲. جنگ حماس و اسرائیل
۸	۲.۳. جنگ روسیه و اوکراین
۹	۲.۴. جنگ احتمالی چین و امریکا پیرامون تایوان و اختلافات دریای جنوبی
۱۰	۳. پیامد سناریوهای احتمالی
۱۰	۳.۱. انتخاب دوباره جو بایدن
۱۱	۳.۲. انتخاب دونالد ترامپ
۱۲	۳.۳. جنگ حماس و اسرائیل
۱۳	۳.۴. جنگ روسیه و اوکراین
۱۵	۴. استراتژی های قابل پیاده سازی

خلاصه مدیریتی

با توجه به ضرورت درک بهتر نسبت به رویدادهای محتمل که درون دایره پیش‌بینی‌پذیری جای می‌گیرند و آمادگی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در مواجهه با آنها، در این گزارش سعی شده مجموعه‌ای از مهمترین رویدادهای ژئوپلیتیکی است که انتظار می‌رود در سال آتی به وقوع بپیوندد و پیامدهای بالقوه‌ای برای اقتصاد جهان و ایران داشته باشند، مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای پیش‌بینی شده، انتخابات ریاست جمهوری امریکاست که در آن دو نامزد اصلی انتخابات مشابه انتخابات سال ۲۰۲۰، جو بایدن و دونالد ترامپ خواهند بود. طی ۷۰ سال اخیر، نخستین بار است که انتخابات مجدد بدین شکل در امریکا رقم می‌خورد. با توجه به مواضع متفاوت این افراد نسبت به حوزه‌های گوناگون از جمله شرق آسیا، خاورمیانه، ایران، جنگ‌های فعلی اسرائیل و اوکراین، در صورت وقوع هر یک از سناریوهای احتمالی، تبعات مختلفی برای ایران به وقوع خواهد پیوست که در این گزارش با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در سال ۲۰۲۴، عمده رقابت‌های جهانی در زمینه‌های اقتصادی خواهد بود؛ هرچند استثناء جنگ روسیه و اوکراین با ماهیت نظامی به قوت خود باقی خواهد ماند. سرشت اقتصادی رقابت‌های ژئوپلیتیکی معاصر بدین معناست که کشورها در معادله‌ای بی‌پایان از محاسبه هزینه-فایده قرار دارند. اگر اقتصادی دانستن پس‌زمینه رقابت‌های جهانی صحیح باشد، می‌توان از مفاهیم «جنگ سرد اقتصادی» و «جنگ گرم اقتصادی» در طراحی استراتژی‌های مقابله با نااطمینانی‌های جهانی بهره گرفت. مقصود از جنگ گرم اقتصادی، استفاده از روش‌های غیرنظامی مانند تحریم و محاصره دریایی با استفاده از مزیت‌ها برای آسیب زدن به نقاط ضعف اقتصادی رقباست. در طرف دیگر، جنگ سرد اقتصادی اشاره به شیوه‌های بالغ‌تری دارد که طبق آن کشورها ضمن مشارکت در زنجیره‌های تامین جهانی، راه‌هایی را برای کاهش وابستگی به کالاهای خام، واسطه‌ای یا نهایی استراتژیک و متمرکز کردن بازارها و منابع در مناطق نزدیک و مجاوری که ریسک‌های کمتری به همراه دارد، مد نظر قرار می‌دهند.

در مواجهه با این رویدادها، بخش خصوصی می‌تواند پنجره‌ای به سوی تجارت منهای سیاست جهانی بگشاید و با خلق منافع مشترک میان ملت‌ها از شدت رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان دولت‌ها بکاهد و همواره فرصتی را برای صلح و همکاری حفظ نمایند. به طور کلی، از منظر ژئوپلیتیک، سال جاری با احتساب وقایع قابل پیش‌بینی، سال چندان آسانی برای ایران و به ویژه اقتصاد و تجارت ایران نیست، اما در عین حال ممکن است حامل فرصت‌هایی برای بهبود سیاست‌ها و بازنگری در اهداف و ابزارهای گذشته نیز باشد.

۱. مقدمه

در جهان به هم پیوسته کنونی، رویدادهای ژئوپلیتیکی نقش اساسی در شکل دهی اقتصاد بین المللی ایفا می کنند. رابطه پیچیده میان سیاست، پویایی قدرت و شرایط اقتصادی، پیامدهای مهمی برای جوامع، کسب و کارها و اشخاص خواهد داشت. درک صحیح و تحلیل اثرات بالقوه رویدادهای ژئوپلیتیکی بر اقتصاد جهان برای سیاست گذاران، اقتصاددان ها و سایر ذینفعان جهت اتخاذ تصمیمات آگاهانه و کاهش ریسک ها ضروری است.

طی یک دهه گذشته، جهان شاهد مجموعه ای از تحولات ژئوپلیتیکی بوده که نتایج اقتصادی گسترده ای را به همراه داشته است. این رویدادها، از جنگ های تجاری و تحریم ها تا بی ثباتی سیاسی و تعارض های منطقه ای، زنجیره های تامین جهانی را مختل کرده، تمایلات سرمایه گذار را تحت تاثیر قرار داده و پویایی بازار جهانی را به دلیل ماهیت بهم پیوسته اقتصادها با نوساناتی مواجه ساخته است.

به هم پیوستگی اقتصادها فراتر از مرزهای جغرافیایی، به این معناست که رویدادهای ژئوپلیتیکی در یک منطقه می تواند اثرات موجی داشته باشد که در سطح جهان بازتاب می یابد. این رویدادها به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق کانال های متعددی از جمله ایجاد نااطمینانی در بازارهای مالی، اختلال جریان های تجاری و قیمت کالاهای اساسی، اقتصاد جهان را تحت تاثیر قرار می دهد. متغیر میانجی در این فرایند اثرگذاری، تصمیمات اقتصادی و استراتژیک سیاست گذاران متناسب با جهت گیری های سیاسی آنها است.

هدف این گزارش سیاستی، بررسی مجموعه ای از مهمترین رویدادهای ژئوپلیتیکی است که انتظار می رود در سال آتی به وقوع بپیوندد و پیامدهای بالقوه ای برای اقتصاد جهان و ایران داشته باشند. بی تردید، تحلیل این رویدادها و پیش بینی پیامدهای اقتصادی و سیاسی آنها برای هدایت ریسک ها و فرصت های بالقوه حیاتی است.

۲. بیان مساله

در این قسمت، مهم ترین رویدادهای ژئوپلیتیکی پیش روی جهان و ریسک های بالقوه آنها مورد بررسی قرار می گیرد. بدون تردید آنچه رویدادهای ژئوپلیتیکی نامیده می شوند به این موارد محدود نیست و چه بسا رویدادهایی در انتظار ما باشند که امکان پیش بینی آنها نیز وجود ندارد. جنگ ها، بیماری اپیدمیک و رخدادهای طبیعی و انسان ساخته می توانند چنان غافلگیرکننده اما در همان حال اثرگذار باشند که هرگونه پیش بینی را به چالش بگیرند؛ با این حال تلاش برای ارزیابی مهمترین رویدادهای محتمل که درون دایره پیش بینی پذیری جای می گیرند به دولت ها و بازیگران غیردولتی امکان می دهد که نه تنها درک بهتری از روندهای پیش رو داشته باشند، بلکه خود را برای مواجهه با آنها آماده کنند.

شکل ۱- مهم ترین رویدادهای ژئوپلیتیکی در سال ۱۴۰۳



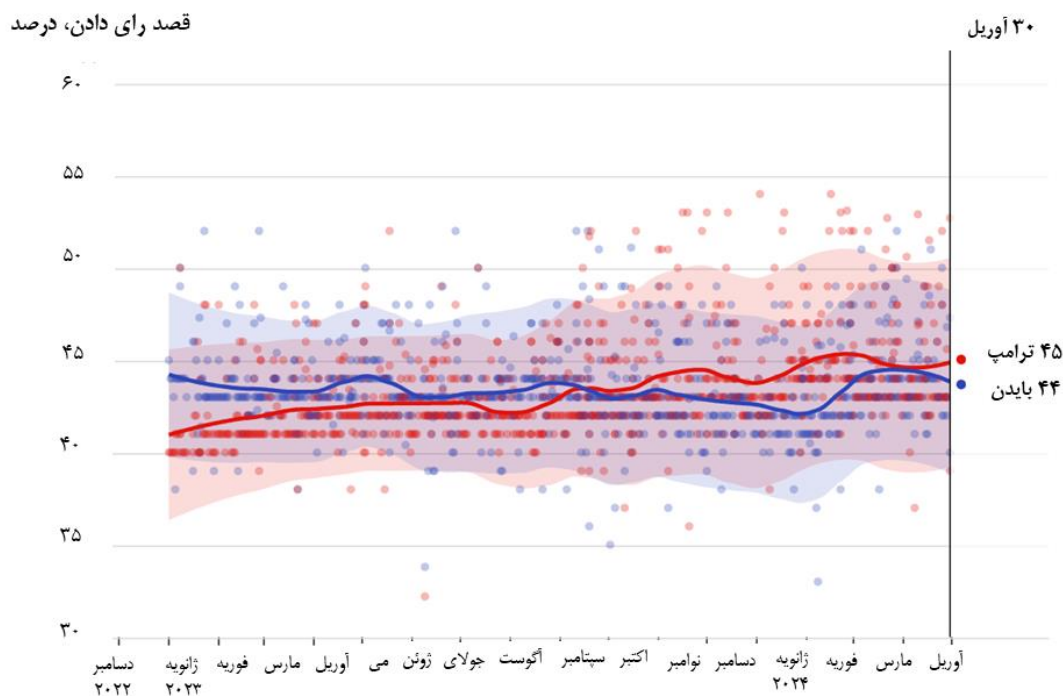
۲/۱. انتخابات ریاست جمهوری امریکا

در ۵ نوامبر ۲۰۲۴، مردم امریکا رییس جمهور بعدی خود را انتخاب خواهند کرد. این انتخابات یک رقابت آشنا است زیرا دو نامزد اصلی انتخابات مشابه انتخابات سال ۲۰۲۰، جو بایدن و دونالد ترامپ خواهند بود. طی ۷۰ سال اخیر، نخستین بار است که انتخابات مجدد بدین شکل در امریکا رقم می خورد. بر اساس نظرسنجی های صورت گرفته، این انتخابات در واقع، انتخاب رییس جمهور محبوب نیست، بلکه یک همه پرسی برای انتخاب میان بد و بدتر است.^۱ با توجه به آنچه در

¹ Economist, Last updated on May 4th 2024

نمودار ۱ مشاهده می‌شود در حال حاضر، ۴۵ درصد از مردم امریکا، دونالد ترامپ را به عنوان رییس جمهور خود را انتخاب می‌کنند و ۴۴ درصد نیز به جو بایدن رای خواهند داد. این ارزیابی‌ها ممکن است تغییر کنند و یا حتی از دقت کافی برخوردار نباشند. با این وجود نشان‌دهنده جدیت رقابت میان دو نامزد حزب جمهوری خواه و دموکرات با همه پیامدهای معین آن است.

نمودار ۱- نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته طبق نظرات رای‌دهندگان



منبع: اکونومیست

با توجه به مواضع متفاوت بایدن و ترامپ در حوزه‌های گوناگون از جمله شرق آسیا، خاورمیانه، ایران، جنگ‌های فعلی اسرائیل و اوکراین (جدول ۱)، هر یک از سناریوهای فوق، تبعات مختلفی را نیز برای ایران به همراه خواهد داشت که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

جدول ۱- رویکردهای متفاوت ترامپ و بایدن

دونالد ترامپ	جو بایدن
بازی سیاسی خارج از قواعد و تضعیف نظم لیبرال بین‌المللی	پیشبرد اهداف دموکراتیک با سطح بالای دیپلماسی، تحکیم نهادها و نظم لیبرال بین‌المللی
زیر سوال بردن ناتو و تضعیف نظامی غرب در جنگ اوکراین	تقویت ناتو و ادامه بهبود روابط اروپا با امریکا
عدم حمایت از اوکراین در جنگ با روسیه	ادامه حمایت از جنگ اوکراین و ادامه فشارهای اقتصادی و سیاسی به روسیه

دونالد ترامپ	جو بایدن
افزایش تنش بین آمریکا و چین: محدود کردن روابط تجاری با چین از طریق افزایش تعرفه‌ها و سایر ابزارهای محدودکننده تجاری	مدیریت کنترل شده رقابت چین و آمریکا: توافقات تجاری با چین برای افزایش واردات کالاهای مصرفی از چین با هدف کنترل تورم در آمریکا، ایجاد محدودیت‌های موردی بر صادرات فناوری‌های حساس
رابطه بهتر با نتانیاهو و سیاست‌های اسرائیل	مخالفت‌های سیاسی با نتانیاهو در حین حمایت از اسرائیل
عدم وقوع جنگ در دوره‌های قبلی ریاست و دارا بودن روحیه معامله‌گری	سابقه دفاع از جنگ‌های متعددی از جمله کوزو، اوکراین و غزه
بازسازی روابط اسرائیل و آمریکا و تلاش برای احیای پیمان ابراهیم (استمرار فشار بر ایران)، افزایش احتمال پیاده‌سازی طرح عرب-مد	اجماع‌سازی علیه ایران در اروپا به عنوان خطر در حوزه انرژی هسته‌ای

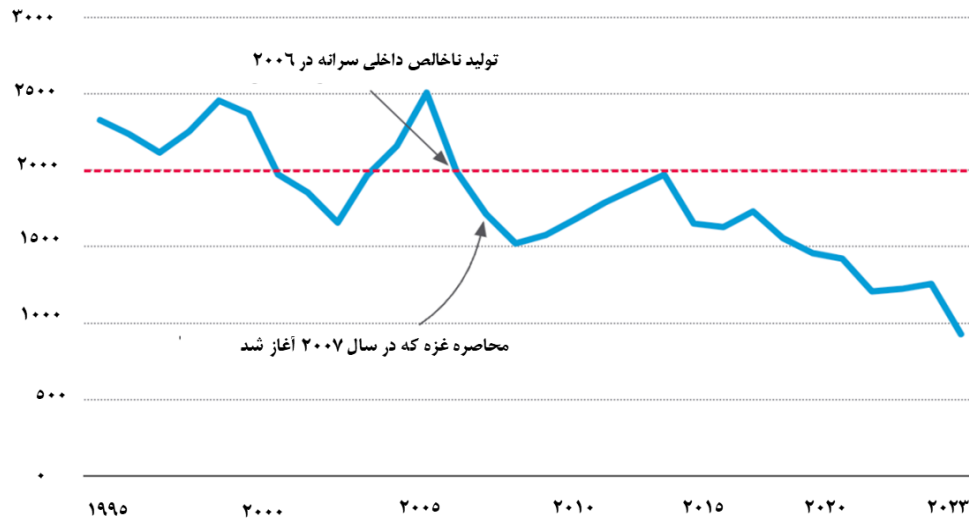
۲/۲. جنگ حماس و اسرائیل

سرنوشت این جنگ، از یک طرف، اقتصاد مناطق درگیر به ویژه غزه را به شدت تحت تاثیر قرار خواهد داد و از طرف دیگر، سایر اقتصادهای جهان را به دلیل وابستگی به این منطقه متاثر خواهد کرد. بر اساس آمارهای آنکتاد، رشد اقتصادی غزه در سال ۲۰۲۳، منفی ۲۴ درصد برآورد شده و تولید ناخالص داخلی سرانه این منطقه نیز ۲۶ درصد کاهش و نرخ بیکاری، ۷۵ درصد طی یک سال افزایش یافته است^۲ (نمودارهای ۲ و ۳). این درگیری‌ها، برای اسرائیل هم هزینه‌های قابل توجهی داشته است؛ به طوری که بر اساس اعلام وزارت دارایی اسرائیل در دسامبر ۲۰۲۴، احتمالاً این جنگ برای اسرائیل نیز حدود ۱۳.۸ میلیارد دلار تا پایان ۲۰۲۴ هزینه خواهد داشت، اما با توجه به عملکرد خوب بخش فناوری‌های پیشرفته و سهم بالای آن در رشد اقتصادی و اشتغال آن، بخشی که در بحبوحه جنگ آسیب‌هایی را متحمل شده، بخش گردشگری است که در سال ۲۰۱۹، ۲.۶ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد و در سال ۲۰۲۱، به ۱.۱ درصد کاهش یافت.

² Palestinian Central Bureau of Statistics (PCBS) and ILO data and UNCTAD calculations.

نمودار ۲- تولید ناخالص داخلی سرانه غزه طی سال‌های درگیری با اسرائیل (دلار، قیمت ثابت ۲۰۱۵)

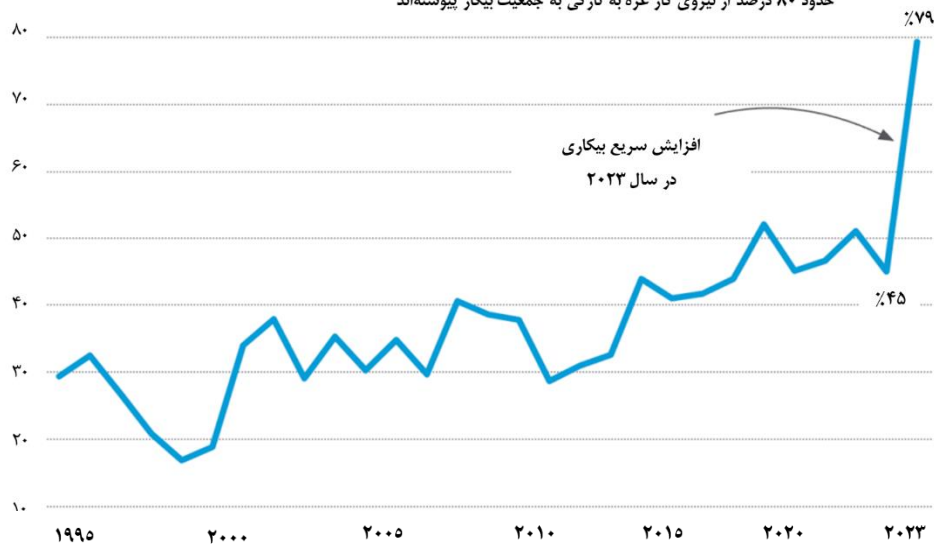
در سال ۲۰۲۳ تولید ناخالص داخلی سرانه در غزه ۲۶ درصد کاهش یافت و به حدود یک سوم اوج خود در سال ۲۰۰۵ رسید و ۸۰ درصد از این کاهش از ۷ اکتبر اتفاقی افتاد.



منبع: آنکتاد

نمودار ۳- نرخ بیکاری غزه طی سال‌های درگیری با اسرائیل (درصد)

حدود ۸۰ درصد از نیروی کار غزه به تازگی به جمعیت بیکار پیوسته‌اند



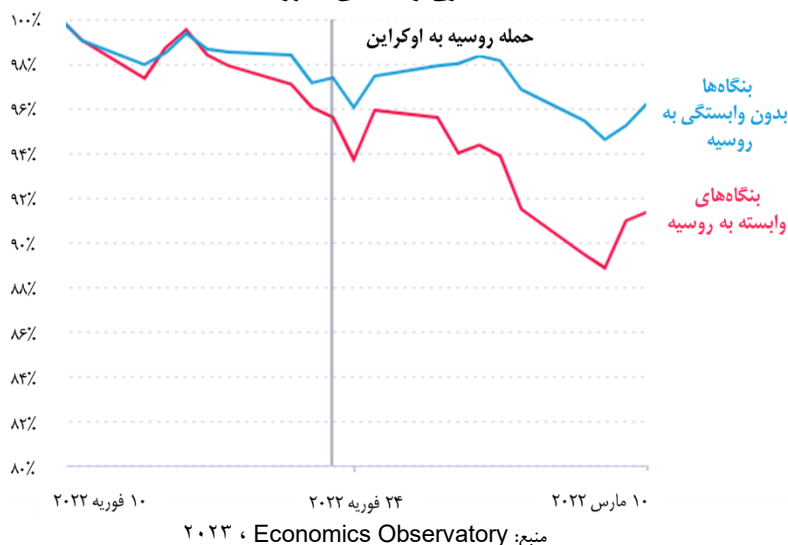
منبع: آنکتاد

علاوه بر این، بدیهی است جنگ گسترده و تشدید تنش‌ها در خاورمیانه می‌تواند اقتصاد جهان را با چالش‌هایی روبه‌رو سازد. تشدید تنش میان اسرائیل و غزه، احتمال درگیر شدن کشورهای دیگر را نیز در منطقه بالا می‌برد و با توجه به اینکه خاورمیانه، تامین‌کننده مهم انرژی در جهان محسوب می‌شود و گذرگاه مهم کشتیرانی است، درگیری در این منطقه، لریزه‌هایی را در سراسر جهان ایجاد خواهد کرد. جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ که منجر به تحریم نفتی و سال‌ها رکود تورمی در اقتصادهای صنعتی شد، یکی از نمونه‌های بارز آن است. بنابراین، پیش‌بینی سرنوشت جنگ میان اسرائیل و غزه به عنوان یک رویداد مهم ژئوپلیتیکی از اهمیت فراوانی برخوردار است که نه تنها منطقه، بلکه جهان را متاثر خواهد کرد.

۲/۳. جنگ روسیه و اوکراین

جنگ روسیه و اوکراین جهان را از بعد سیاسی و اقتصادی تکان داد. تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، اعمال تحریم‌های مالی شدید علیه روسیه به دنبال داشت و قیمت‌های مواد غذایی و ذخایر انرژی را به شدت تحت تاثیر قرار داد. اروپا نیز برای بازدارندگی روسیه سعی کرد چنین مداخله‌ای را برای روس‌ها پرهزینه‌تر کند. از جمله پیامدهای اقتصادی مهم این جنگ، افزایش ناامنی غذایی در جهان، افزایش قیمت انرژی و تاثیرات بر بازارهای مالی جهانی بوده است. مطابق نمودار ۵، قیمت سوخت‌های مایع و گاز با شروع جنگ اوکراین به طور قابل توجهی افزایش یافت. بازده شرکت‌هایی که در معرض ارتباط با روسیه قرار داشتند نیز به طور قابل توجهی کاهش پیدا کرد. در نمودار ۴ میانگین

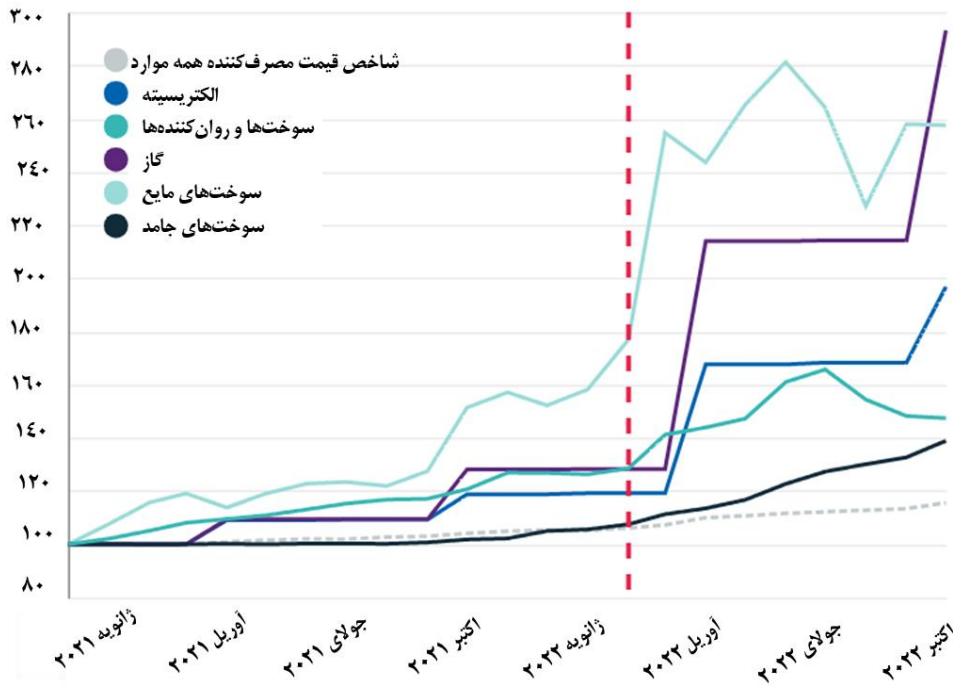
نمودار ۴- میانگین بازده تجمعی شرکت‌ها، بر اساس سطوح وابستگی به روسیه



بازده تجمعی این شرکت‌ها را بر اساس روابط تجاری و چند ملیتی آنها با روسیه نشان داده شده است. بازده شرکت‌هایی که بیشترین وابستگی به روسیه را دارند، به طور قابل توجهی کمتر از بازده سایر شرکت‌ها در زمان جنگ بوده است.

منبع: Economics Observatory، ۲۰۲۳

نمودار ۵- شاخص قیمت انرژی (دسامبر ۲۰۲۰=۱۰۰)



منبع: دفتر ملی آمار انگلستان

۲/۴ جنگ احتمالی چین و آمریکا پیرامون تایوان و اختلافات دریای جنوبی

وقوع جنگ تجاری بین این چین و ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ و با تصمیم ترامپ برای وضع تعرفه گمرکی بر واردات کالاهای چینی و تصمیم متقابل چین برای کالاهای امریکایی، در دوره ریاست جمهوری جو بایدن با شدت کمتری ادامه داشته است. ماهیت درگیری بین ایالات متحده و چین در حال تغییر است. به نظر می رسد هرچند که استعداد بالایی برای سوءبرداشت دو کشور نسبت به نیت یکدیگر و در نتیجه رخ دادن یک جنگ آگاهانه یا ناخواسته وجود دارد اما در یک دید کلی تر پکن و واشنگتن با علم به ابعاد مخرب منازعه نظامی میان خود تاکنون ترجیح داده اند که رقابتها را به قلمروهای اقتصادی محدود کنند. این قلمرو دامنه وسیعی از نفوذ در بازارهای جهانی، کاهش وابستگی متقابل تا حوزه های جدیدتر مانند فناوری های زیستی، هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و تراشه ها را دربرمی گیرد. ناظران تشخیص داده اند که سرنوشت رقابت اقتصادی چین و ایالات متحده که به دلیل مقیاس جهان گستر آن می تواند به صفت ژئواکونومیک متصف شود، بطور مستقیم به احتمال وقوع یک جنگ مستقیم ارتباط دارد.

در صورت اعلام استقلال تایوان، احتمال وقوع جنگ میان آمریکا و چین افزایش خواهد یافت. از جمله دلایل دیگری که می تواند احتمال وقوع جنگ را بین این دو کشور افزایش دهد، می توان به منازعات ناخواسته در دریای جنوبی چین و

یا ماجراجویی غیرمنتظره و موشکی کره شمالی اشاره کرد. این مخاطرات در طول دهه های گذشته نیز وجود داشته اند اما با شدت گرفتن رقابت اقتصادی دو کشور و کاهش بی وقفه در فاصله قدرت چین و آمریکا، این احتمال نیز تقویت خواهد شد.

۳. پیامد سناریوهای احتمالی

۳/۱. انتخاب دوباره جو بایدن

پیروزی بایدن در انتخابات ماه نوامبر آینده، حاوی پیام رضایت از سیاست های دولت آمریکا در چهار سال گذشته از سوی رای دهندگان آمریکایی خواهد بود. این موضوع می تواند موجب تثبیت مجموعه سیاست هایی شود که تا امروز با تردیدهایی همراه بود. انتظار می رود که مقابله با رشد قدرت و نفوذ چین همچنان اولویت اول دولت دوم بایدن باشد. به همین ترتیب، تحکیم مناسبات دوسوی آتلانتیک و تقویت همکاری آمریکا با متحدان و شرکایش در آسیای شرقی، خلیج فارس و غرب آسیا از دستور کار خارج نخواهد شد. تلاش برای عطف توجه بیشتر به چین که مستلزم کاهش بار تعهدات نظامی ایالات متحده در سایر مناطق جهانی است، در دولت بعدی نیز ادامه خواهد داشت؛ هرچند این موضوع به معنای عدم وقوع جنگ های احتمالی نیست که چه به دلیل خطای محاسباتی و یا علیرغم میل واشنگتن ممکن است اتفاق بیفتند.

در حال حاضر، بایدن به دلیل جلب حمایت دموکرات ها در انتخابات آمریکا و بازگرداندن محبوبیت خود در میان آنها از یک طرف و فشارهای اروپا برای تغییر رویه آمریکا در قبال اسرائیل از طرف دیگر، علیرغم اینکه حمایت های تسلیحاتی و مالی خود از اسرائیل را تقویت کرده، مخالفت هایی نیز با نتانیاهو داشته است. به نظر می رسد پس از پیروزی بایدن در انتخابات نیز این رویه ادامه داشته باشد. با این حال، تلاش برای عادی سازی روابط عربستان سعودی و اسرائیل اگر تا آن زمان به سرانجام نرسد با جدیت بیشتری تعقیب خواهد شد. به همین نحو، احتمال بیشتری وجود دارد که دولت دوم بایدن راهی برای از سرگیری مذاکرات با ایران و احیای توافق هسته ای در ازای لغو برخی یا تمام تحریم ها را جستجو کند. با اذعان مقامات واشنگتن به اینکه خروج آمریکا از برجام کمکی به ثبات منطقه و حتی تغییر رفتار ایران نداشته، با پیروزی مجدد بایدن در انتخابات و رفع نگرانی از آثار نامطلوب تجدید توافق با ایران در اردوی جمهوری خواهان، انتظار می رود دولت بعدی بایدن اشتیاق بیشتری برای توافق با تهران داشته باشد. شاید ترکیب این توافق با آنچه دولت بایدن از راه عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان سعودی در پی آن است، نوعی از موازنه قوا توأم با ثبات در منطقه را تداعی کند که با اهداف کلان واشنگتن در آرام کردن غرب آسیا و توجه بیشتر به مسئله چین تطابق دارد.

۳/۲. انتخاب دونالد ترامپ

در سناریوی دوم، با انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور امریکا، فرصت‌ها و تهدیدهایی برای ایران ایجاد خواهد شد، اما آنچه حائز اهمیت است، آمادگی ایران برای رویارویی با پیروزی ترامپ است. اگرچه برخی از پیامدهای انتخاب ترامپ مانند تضعیف نظم لیبرال بین‌المللی، برای ایران هم می‌تواند فرصت تلقی شود و هم چالش‌برانگیز باشد، اما باید توجه داشت امکان جذب تهدیدها در ایران بیشتر از احتمال جذب فرصت‌ها است.

از بعد اقتصادی، یکی از مهم‌ترین رویدادها پس از انتخاب ترامپ، نوع روابطش با چین خواهد بود که به تبع آن سایر نقاط جهان را نیز تحت تاثیر تحولاتی ناخواسته قرار خواهد داد. رویکرد سخت‌گیرانه امریکا نسبت به چین، این کشور را که در حال تلاش برای حفظ رشد اقتصادی خود است، به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. محدودیت‌های تجاری که از سمت امریکا برای چین وضع خواهد شد، مانع از تحقق رشد بلندمدت این کشور می‌شود. طبیعتاً، کندی رشد اقتصادی چین، زنگ خطری برای سایر کشورهای جهان نیز خواهد بود. افزایش نااطمینانی نسبت به شرایط اقتصادی چین، منجر به خروج سرمایه‌گذاران از بازار این کشور خواهد شد و تبعات آن به سایر کشورها از جمله اقتصادهای آسیایی و آفریقایی نیز سرریز خواهد کرد. البته در این میان، کشورهایی مانند هند می‌توانند به جذب سرمایه‌گذارانی که از بازار چین خارج می‌شوند، امیدوارتر باشند.

از بعد نظامی نیز تنش‌ها در خاورمیانه افزایش خواهد یافت. با انتخاب ترامپ و حمایت‌های مجدد وی از اسرائیل و تقویت پیمان ابراهیم، طرح دو دولتی در فلسطین کنار گذاشته خواهد شد و به سمت یک اسرائیل بسیار مسلح برای احتمالات آینده در خاورمیانه حرکت خواهد کرد. برخی پیش‌بینی‌ها در خصوص جنگ اوکراین نیز حاکی از استمرار یک جنگ فرسایشی است که روسیه را با چالش‌های اقتصادی مواجه می‌کند؛ هرچند نظراتی نیز در رابطه با خاتمه جنگ پس از ترامپ به دلیل عدم حمایت تسلیحاتی از اوکراین وجود دارد که در این صورت، ناتو و اهدافش زیر سوال می‌رود. با روی کار آمدن ترامپ، همانگونه که در قسمت‌های پیشین نیز اشاره شد، احتمال احیای پیمان ابراهیم افزایش می‌یابد و به طور کلی، فشارها بر ایران بیشتر خواهد شد.

پیروزی ترامپ بار دیگر می‌تواند سایه سنگینی بر روابط شاخه اروپایی ناتو و ایالات متحده بیفکند. در صورتیکه دولت ترامپ به حمایت نظامی و سیاسی از اوکراین خاتمه دهد و یا بکوشد در ازای این حمایت، امتیازهای نامعمول اقتصادی از کشورهای اروپایی مطالبه کند، روابط اروپا و ایالات متحده به تیرگی خواهد رفت. اعضای اروپایی ناتو در اینصورت انگیزه بیشتری برای تحقق بخشیدن به ایده «خودگردانی استراتژیک» نشان خواهند داد و حتی ممکن است رفتار ایالات متحده را مجموعه بازنگری‌های سیاسی در ارتباط با چین و ایران جبران کنند؛ به نحوی که موازنه‌های بین‌المللی به سود رقبای ایالات متحده تغییر دهد.

در یک دید کلی، پیروزی ترامپ، بار دیگر به ناسیونالیسم اقتصادی، خودیاری در سیاست‌های جهانی و کاهش همکاری‌های بین‌المللی سرعت خواهد داد. این پیامدها همانقدر که می‌تواند برای ایران مفید باشد و دستیابی به هرگونه اجماع ضدایرانی را در بزنگاه‌های منحصر به فرد دشوارتر کند، اما همینطور می‌تواند به دلیل یکجانبه‌گرایی‌های رونق گرفته و بی‌اعتنایی در برابر قوانین و هنجارهای جهانی، واجد خطراتی برای ایران و سایر دشمنان آمریکا نیز باشد.

۳/۳. جنگ حماس و اسرائیل

به نظر نمی‌رسد که جنگ غزه تا فراتر از سال جاری خورشیدی و میلادی ادامه پیدا کند. فشار افکار عمومی در جهان اسلام و غرب و حجم گسترده فجایع انسانی در این جنگ، ظرفیت تداوم آن را به حداقل رسانده است. سرنوشت جنگ غزه و اسرائیل، می‌تواند تحت سه سناریو و پیامدهای آن به شرح جدول ذیل طبقه‌بندی شود:

جدول ۲- سناریوهای احتمالی پیامدهای جنگ غزه و اسرائیل

سناریوی ۱	رسیدن اسرائیل به همه اهدافش
پیامدها:	<ul style="list-style-type: none"> ○ تغییر موازنه قوا در مدیترانه به نفع اسرائیل ○ تضعیف عملیاتی محور مقاومت ○ افزایش نگرانی نسبت به جاه‌طلبی‌های اسرائیل در بین کشورهای عربستان، ترکیه، مصر و ایران
سناریوی ۲	شکست اسرائیل در رسیدن به اهدافش
پیامدها:	<ul style="list-style-type: none"> ○ بی‌ثباتی سیاسی درون اسرائیل ○ افزایش حمایت‌های سیاسی و نظامی از اسرائیل در غرب ○ بهبود جایگاه محور مقاومت و افزایش نگرانی‌ها از نفوذ ایران در منطقه ○ زمینه‌سازی برای تقویت پیمان ابراهیم در جبران ضعف اسرائیل ○ افزایش انگیزه‌های غرب برای تضعیف بیشتر ایران به منظور موازنه قوا بین ایران و اسرائیل
سناریوی ۳	نه پیروزی، نه شکست
پیامدها:	<ul style="list-style-type: none"> ○ فرسایش نظامی و اقتصادی اسرائیل ○ بهبود وجهه محور مقاومت در جهان اسلام و غرب ○ احتمال خطای محاسباتی و گسترش جنگ منطقه‌ای ○ کاهش حمایت از اسرائیل در جامعه بین‌المللی به دنبال تداوم بحران انسانی در غزه ○ تشدید ناامنی مدیترانه و کریدورهای منتهی به آن

سناریوی اول و دوم شانس کمی برای تحقق تا پایان سال جاری دارند. به لحاظ سیاسی عدم دستیابی اسرائیل به اهدافش در برابر یک گروه مقاومت غیردولتی را نوعاً می‌توان شکست اسرائیل در نظر گرفت، اما به لحاظ نظامی رسیدن به توافقی مرضی‌الطرفین که هیچیک از طرف‌های متنازع را به همه اهداف از پیش تعیین شده خود نمی‌رساند، می‌تواند شکلی از نتیجه «نه شکست و نه پیروزی» تلقی شود که هرچند به منازعه جاری خاتمه می‌دهد اما استعداد ازسرگیری آن را در ماه‌های آینده حفظ می‌کند.

از بعد اقتصادی، در صورت استمرار جنگ غزه و اسرائیل، تاثیر احتمالی آن بر رشد و تورم جهانی را می‌توان تحت سه سناریوی زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. محدود شدن ادامه درگیری به غزه و اسرائیل
۲. سرایت درگیری به کشورهای همسایه مانند لبنان و سوریه و آغاز جنگ نیابتی بین اسرائیل و ایران
۳. درگیری مستقیم ایران و آغاز تنش نظامی منطقه‌ای

جدول ۳- سناریوهای احتمالی اثرات جنگ غزه و اسرائیل بر اقتصاد جهان

سناریو	شرح وضعیت	تاثیر بر روی قیمت نفت	تاثیر بر روی نرخ تورم و رشد اقتصادی جهان
جنگ محدود	- تهاجم زمینی به غزه - درگیری منطقه‌ای محدود - کاهش تولید نفت خام ایران	+۴ دلار به ازای هر بشکه	رشد اقتصادی: کاهش ۰.۱ واحد درصدی تورم: افزایش ۰.۱ واحد درصدی
جنگ نیابتی	- جنگ چندجانبه در غزه، کرانه باختری، لبنان و سوریه - ناآرامی در خاورمیانه	+۸ دلار به ازای هر بشکه	رشد اقتصادی: کاهش ۰.۳ واحد درصدی تورم: افزایش ۰.۲ واحد درصدی
جنگ مستقیم	- درگیری مستقیم ایران و اسرائیل - ناآرامی در خاورمیانه	+۶۴ دلار به ازای هر بشکه	رشد اقتصادی: کاهش ۱ واحد درصدی تورم: افزایش ۱.۲ واحد درصدی

منبع: اقتصاد بلومبرگ

۳/۴. جنگ روسیه و اوکراین

با اطمینان بالایی می‌توان پیش‌بینی کرد که جنگ روسیه و اوکراین تا پایان سال جاری ادامه خواهد داشت. برخی معتقدند پس از به روی کار آمدن ترامپ، جنگ روسیه و اوکراین به دلیل توقف ارسال تسلیحات به اوکراین پایان خواهد یافت، اما ممکن است مسئله از این غامض‌تر باشد. چنانکه پیشتر اشاره شد، دولت ترامپ فرصت خواهد داشت که پیش

از هرگونه اقدامی برای پایان دادن به جنگ، روش‌هایی را برای اخذ امتیازهای سیاسی و اقتصادی نه تنها از کشورهای اروپایی بلکه از روسیه نیز آزمایش کند. در جدول ذیل، سه سناریوی احتمالی از سرنوشت این جنگ بررسی شده است.

جدول ۴- سناریوهای احتمالی پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین

سناریوی ۱	شکست اوکراین و پیروزی روسیه
پیامدها:	<ul style="list-style-type: none"> ○ بی اعتبار شدن ناتو و افزایش احتمال فروپاشی اتحاد ○ آسیب وارد آمدن به اعتبار سیاسی و نظامی امریکا ○ افزایش انگیزه چین برای حمله به تایوان ○ تضعیف و بی ثباتی در اتحادیه اروپا ○ افزایش انسجام اقتصادی و نظامی کشورهای اروپای شرقی ○ ارتقای بی سابقه جایگاه روسیه و اعتماد به نفس مسکو در امور بین‌المللی
سناریوی ۲	شکست روسیه و پیروزی اوکراین
پیامدها:	<ul style="list-style-type: none"> ○ بی‌ثباتی احتمالی روسیه و تزلزل در جایگاه پوتین ○ تضعیف اتحاد روسیه و چین ○ اعتماد به نفس تایوان در اعلام استقلال ○ تقویت انسجام ناتو به رهبری امریکا ○ تهاجمی‌تر شدن سیاست خارجی امریکا در مقابل ایران، چین و کره شمالی ○ تشدید گرایش جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی به اتحادیه اروپا و ناتو ○ احیای جایگاه امریکا در میان متحدان و شرکای آنها در سراسر جهان
سناریوی ۳	تداوم جنگ با برتری نسبی روسیه
پیامدها:	<ul style="list-style-type: none"> ○ فرسایش نظامی و اقتصادی روسیه و اوکراین ○ افزایش اختلاف نظرها در غرب در خصوص نحوه مقابله با روسیه ○ افزایش تردیدها در امریکا برای ادامه حمایت از اوکراین ○ تعمیق وابستگی روسیه به چین و هند ○ بالا رفتن احتمال وقوع خطای محاسباتی تا سرحد یک جنگ اتمی میان روسیه و غرب

در اینجا نیز تحقق دو سناریوی اول محتمل نیست. بعید است حتی با پیروزی دونالد ترامپ، روسیه اجازه پیدا کند که به یک پیروزی تمام‌عیار در اوکراین دست پیدا کند و به همان ترتیب، اوکراین کمترین شانسی برای شکست کامل روسیه نخواهد داشت. دستکم تا پایان سال انتظار می‌رود که روسیه مزیت‌های استراتژیک خود را در جنگ حفظ کند و یا به آرامی مناطق تازه‌ای در شرق اوکراین را تحت کنترل بگیرد. تا کنون روسیه و غرب در اداره جنگ بدون افزایش خطرات تسری آن به خارج از اوکراین موفق بوده‌اند اما همواره این مخاطره وجود خواهد داشت که به موجب اطلاعات غلط و یا تحریک‌های غیرمنتظره،

دامنه و شدت جنگ بطور غیرقابل پیش‌بینی افزایش یابد. وقوع یک جنگ هسته‌ای چندان محتمل نیست مگر آنکه دولت‌های غربی با افزایش حمایت‌های نظامی از اوکراین، موازنه نظامی را خارج از حد تحمل روسیه برهم بزنند؛ به ویژه اگر روسیه توانایی نظامی متعارف برای مقابله با چنین حجمی از تهاجم را در خود نبیند. حمله اتمی روسیه به اوکراین می‌تواند از جهات گوناگون فاجعه‌بار باشد و یک اقدام تحریک‌آمیز برای شروع جنگ اتمی روسیه و غرب شمرده شود.

۴. استراتژی‌های قابل پیاده‌سازی

در سال ۲۰۲۴، عمده رقابت‌های جهانی در زمینه‌های اقتصادی خواهد بود؛ هرچند استثناء جنگ روسیه و اوکراین با ماهیت نظامی به قوت خود باقی خواهد ماند. سرشت اقتصادی رقابت‌های ژئوپولیتیکی معاصر بدین معناست که برخلاف جهان دوقطبی پیشین با درون‌مایه نظامی، این رقابت‌ها با منطق بازی حاصل جمع جبری صفر سازگار نیست. پیروزی یک طرف در تمام شرایط به معنای باخت طرف دیگر نیست. کشورها در معادله‌ای بی پایان از محاسبه هزینه-فایده قرار دارند و بدون سپردن تعهدات پولادین بلوکی، به فرصت‌هایی چشم می‌دوزند که می‌تواند منزلت آنها را در برابر رقبا، دشمنان و دوستانشان ارتقا دهد. اگر اقتصادی دانستن پس‌زمینه رقابت‌های جهانی صحیح باشد، می‌توان از مفاهیم «جنگ سرد اقتصادی» و «جنگ گرم اقتصادی» در طراحی استراتژی‌های مقابله با نااطمینانی‌های جهانی بهره گرفت. مقصود از جنگ گرم اقتصادی، استفاده از روش‌های غیرنظامی مانند تحریم و محاصره دریایی با استفاده از مزیت‌ها برای آسیب زدن به نقاط ضعف اقتصادی رقباست. در طرف دیگر، جنگ سرد اقتصادی اشاره به شیوه‌های بالغ‌تری دارد که طبق آن کشورها ضمن مشارکت در زنجیره‌های تامین جهانی، راه‌هایی را برای کاهش وابستگی به کالاهای خام، واسطه‌ای یا نهایی استراتژیک و متمرکز کردن بازارها و منابع در مناطق نزدیک و مجاور می‌کنند که ریسک‌های کمتری به همراه دارد، مد نظر قرار می‌دهند. از آنجاییکه کشورها منطق بازی حاصل جمع جبری صفر را پیگیری نمی‌کنند، حتی آنهایی که در وضعیت پرشدت رقابتی قرار دارند حاضر نیستند از مزایایی صرف‌نظر کنند که تجارت و معاملات اقتصادی با رقبا در اختیار آنها می‌گذارد.

منطقه‌گرایی همچنان می‌تواند سودمند و اطمینان‌بخش باشد. منطقه‌ای شدن تجارت جهانی یک روند معتبر برای سال جاری هم خواهد ماند. کشورها و شرکت‌های تجاری نه تنها اطمینان خاطر بیشتری در تجارت با همسایگان احساس می‌کنند بلکه در عمل به دلیل تسهیلات لجستیکی مطلوب‌تر، امکان بهتری برای تامین و تجارت دارند. توصیه به دولت‌ها برای اندیشیدن مسیرهایی که رابطه با همسایگان و سرزمین‌های مجاور را بهبود می‌بخشد، دوراندیشانه است. در عصر حمایت‌گرایی دولت‌ها، بخش خصوصی در اقتصاد کشورها به ابتکارهای خلاقانه‌ای برای مذاکره با دولت‌های خود نیاز دارند تا آنها را به استراتژی‌هایی متقاعد کنند که مداخلات دولتی کمتر آسیب‌زا باشد. در نهایت، در حالیکه بخش

دولتی در اقتصاد کشورها در معرض اتهام بهره برداری از مزایای تجارت جهانی به سود طرح‌های بلندپروازانه ژئوپولیتیکی دولت‌ها هستند، بخش خصوصی می‌تواند پنجره‌ای به سوی تجارت منهای سیاست جهانی بگشاید. بعلاوه، این شرکت‌های تجاری خصوصی هستند که می‌توانند با خلق منافع مشترک میان ملت‌ها از شدت رقابت‌های ژئوپولیتیکی میان دولت‌ها بکاهند و همیشه فرصتی را برای صلح و همکاری حفظ کنند. برای دولت‌ها نیز عاقلانه است که شرکت‌های خصوصی را در حالیکه شرکت‌های دولتی ممکن است در معرض عواقب رقابت‌های سیاسی بین‌المللی باشند، تقویت کند. شناخته‌شده‌ترین شیوه مناسب برای این منظور، پیشبرد طرح‌های مشارکت عمومی-خصوصی است. این روش نه تنها درون کشورها بلکه در میان کشورها نیز جذابیت‌هایی به همراه دارد و به آسانی می‌تواند معادلات سیاسی را متاثر کند. تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، هیچ بسته پیشنهادی برای کاهش عدم قطعیت‌ها نمی‌تواند بدون اشاره به لزوم کاهش وابستگی مالی به امارات متحده عربی که قسمت بزرگی از حجم واردات ایران را به خود اختصاص داده و همچنین وابستگی تجاری به چین به لحاظ حجم و ارزش کالاهای وارداتی کامل باشد.

جدول ۵- اقدامات پیشنهادی در رویارویی با تحولات محتمل ژئوپولیتیک سال ۱۴۰۳

شرح اقدام	الزامات/ ابزارها	بازیگران اصلی
حرکت از جنگ گرم اقتصادی به سمت جنگ سرد اقتصادی	تغییر نگرش سیاستگذاری خارجی از بازی حاصل جمع جبری صفر به بازی حاصل جمع جبری غیرصفر	دولت
دیپلماسی با سایر کشورها	مذاکره مستقیم با امریکا در شرایط مساعد	دولت
	بهبود ارتباطات سیاسی و اقتصادی با قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه، مصر	دولت
	طراحی مدلی برای تعامل با غرب	دولت
کاهش زیان‌های ناشی از مداخلات اقتصادی دولت‌ها	زمینه‌سازی برای گفت‌وگو با حاکمیت در داخل کشور برای تعدیل مداخله‌جویی و معرفی فرصت‌ها در تجارت خارجی	بخش خصوصی
رفع بحران مالی بخش خصوصی	تقویت مشارکت خصوصی- عمومی	بخش خصوصی و دولت
	برانگیختن مشارکت مردمی	بخش خصوصی و دولت
حرکت به سمت کاهش وابستگی مالی به امارات متحده عربی و وابستگی تجاری به چین	تلاش برای صادرات مستقیم به بازارهای هدف جایگزین امارات و چین	بخش خصوصی و دولت

از منظر ژئوپولیتیک، سال جاری با احتساب وقایع قابل پیش‌بینی سال چندان آسانی برای ایران و به ویژه اقتصاد و تجارت ایران نیست اما در عین حال ممکن است حامل فرصت‌هایی برای بهبود سیاست‌ها و بازنگری در اهداف و ابزارهای گذشته نیز باشد.